

آخرین جزئیات آتش سوزی

مهیب بالايشگاه تهران

آتش‌سوزی و انفجار در بالايشگاه نفت تهران شش تکنسین و مهندسین را به کام مرگ کشاند و دو نفر را به شدت زخمی کرد. این حادثه مرگبار ساعت ۱۶ عصر روز جمعه، پنجم آبان‌ماه در بالايشگاه‌نفت تهران رخ‌داد که در جریان آن هشت‌نفر کشته‌وزخمی‌شدند.براساس گزارش‌ها، کارگران مشغول تعمیر یک بخش بودند که نشت مواد نفتی با آتش‌سوزی همراه شد که در جریان آن شش نفر از تکنسین‌ها و مهندسان به دلیل استقرار روی ارتفاع بالايشگاه‌جان خود را از دست دادند و دو نفر هم به شدت مصدوم شدند.

سختگوی کمیسیون انرژی مجلس از اعزام گروهی از کمیسیون انرژی برای بررسی میدانی دلایل حادثه آتش‌سوزی بالايشگاه‌نفت تهران خبر داد و گفت: این حادثه در برج ای‌ماکس بالايشگاه‌نفت تهران هنگام تعمیر بخشی از سیستم بالايشگاه‌نفت تهران به خاطر نشتی گاز رخ‌داد که به همین دلیل گروهی از کمیسیون انرژی مجلس برای بررسی و بازدید میدانی از بالايشگاه به منطقه اعزام می‌شوند تا مشخص شود که دستگاو تجهیزات بالايشگاه ضدحریق بوده است یا خیر و اگر احتمال نشتی وجود داشته آسامانه‌های اطفای حریق هم‌زمان در آن مکان وجود داشته یاخیر و اگر وجود داشته چرا سریع عمل نکرده است و اینکه آیا مواد ضدحریق متناسب با نوع آتش بوده یا خیر و آیا استانداردهای لازم را داشته است. به گفته اسدالله قه‌زخانه‌ی در جلسه روز دوشنبه(هشتم آبان‌ماه) بااستولان بالايشگاه‌این سوالات بررسی می‌شود ومدیر عمل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ومسئول گزارشی از حادثه‌به اعضای کمیسیون انرژی می‌دهند.

۸ کشته و زخمی

در انفجار کپسول گاز

انفجار گاز در کوی رمضان اهواز چهار کشته و چهار زخمی بر جای گذاشت. این حادثه شامگاه جمعه براتر انفجار سیندر گاز در کوی رمضان اهواز رخ داد و موجب تخریب سه‌مترل مستونی شد.لحظاتی بعد از وقوع حادثه امدادگران در محل حاضر شده و مشغول امدادرسانی شدند. در جریان این احداثه سه نفر در زیر آوار جان باختند و یکی از مصدومان حادثه نیز بر اثر شدت جراحات هنگام انتقال به بیمارستان فوت شد.همچنین با تلاش امدادگران چهار مجروح از زیر آوار خارج شدند که دوفنر آنان به بیمارستان گلستان انتقال یافتند و دو نفر نیز در محل به‌صورت سریایی مداوا شدند. براساس این گزارش یکی از مأموران آتش‌نشان نیز دچار دودگرفتی شده‌بود که به بیمارستان انتقال یافت.

متهم:دعوی خونین

به خاطر یک سیلی اتفاق افتاد

پسر جوانی که به خاطر یک سیلی مر تکب قتل شده بود، در جلسه محاکمه جرمش را انکار کرد و مدعی شد به خاطر دوستانش قتل را گردن گرفته، اما حالا پشیمان است. به گزارش خبرنگار ما، یازدهم تیر سال ۹۲، مأموران پلیس شهرداری از قتل پسر ۲۰ ساله‌ای به نام رحیم در مغازه وندبویچی باخبر و این محل شدند. شواهد نشان می‌داد مقتول در جریان درگیری با چهار نفر از هم‌محل‌هایش کشته شده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات برای شناسایی عامل یا عاملان قتل آغاز شد.دو روز بعد از ساعاتی بعد از حادثه بررسی ۹ ساله به نام حمید در حالی که آثار جراحات چاقو رو سر وی و بدنش نمایان بود به کلانتری ۱۳۱ شهرداری رفت و به قتل رحیم اعتراف کرد. او در شرح ماجرا گفت: «دعوی خونین به خاطر یک سیلی اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار است که من و رحیم بچه محل بودیم و همدیگر را می‌شناختیم. چند روز قبل در مرضی سربازی بودم که با رحیم سر موضوعی درگیر شدیم و او در جریان درگیری یک سیلی به صورت زد. چون غرور محلی جولی دوستام شکست تصمیم گرفتم ضربه سیلی را تلافی کنم. به همین دلیل با دوستانم صحبت کردم و بعد از شرب خمر سوار خودروی امیر شدم و برای پیدا کردن رحیم همه خیابان‌های شهری را گشتم. ساعتی بعد از پرسه زنی، مقتول را در مغازه ساندویچی دیدیم. او را هل دادم و در حالیکه روی زمین افتاده بود با پاهایش از خودش دفاع می‌کرد. با چاقو چند ضربه به پایش زدم و فرار کردم. وقتی فهمیدم رحیم فوت کرده برای گمراه کردن پلیس خودزنی کردم.اما بعد از آن تصمیم گرفتم خودم را معرفی کنم».

باقرارهای متهم، دوستان او به نام‌های امیر، آرش و سپهر بازداشت شدند.اما جرمشان را انکار کردند. به این ترتیب هر چهار متهم بنا به شواهد و قرائن موجود، حمید به اتهام مباشرت در قتل و رحیم متهم دیگر به اتهام مباشرت در نزاع دسته جمعی روانه زندان شدند. اما سه متهم با قرار وثیقه آزاد شدند. پرونده به زندان دهم دادگاه کیفری فرستاده شد و در اولین جلسه بعد از درخواست قصاص از سوی اولیای دم، حمید خلاف اظهاراتش، جرمش را انکار کرد و در ادعایی عجیب گفت: «قطب به پای مقتول ضربه‌زدم و در قتل نقشی نداشتم!» به این ترتیب پرونده برای تحقیقات بیشتر به دادسرا فرستاده شد. بعد از انجام تحقیقات لازم پرونده روز گذشته روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی برزاینه قرار گرفت. ابتدای جلسه، اولیای دم درخواست قصاص کردند و در ادامه متهم با انکار جرمش گفت: «به خاطر دوستانم قتل را گردن گرفتم. اما وقتی در زندان قرار شدم هیچ کدام از آنها حتی یک کلمه سر به مارم نزدند و به قولشان عمل نکردند. آنجا بود که پشیمان شدم و حالا واقعیت را می‌گویم. فقط به پای مقتول ضربه زدم. در حالیکه مقتول به خاطر ضربه به سینهاش فوت کرده است».

سپس دیگر متهمان با انکار جرمشان از خودشان دفاع کردند و گفتند: «منی‌دلمیض ضربه کشنده را چه کسی به مقتول زده‌است.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

زنان جوان وقتی با التماس های مردی که مدعی بود، می‌خواهد بسرای مادرش طلا بخرند مواجحه می‌شوند، به او اعتماد کرده و بسرای نظر دادن وارد طلافروشی می‌شند.ن، مرد جوان اما با برداشتن قطعه‌ای طلا خود را به پشت و پتیرین می‌رساند و در چشم بر هم زدنای ناید می‌شد.
متهم که به این شیوه برای زنان زیادی در دستر درست کرده بود بسر انجام به دام پلیس افتاد.

به گزارش خبرنگار ما، عصر روز ۲۵ مرد ماه امسال بود که صاحب یکی از طلافروشی‌های پاساز ۱۵ خرداد در بازار تهران به مأموران کلانتری ۱۱۳ بازار خیر داد که همدست یک سارق را داخل مغازه‌اش دستگیر کرده است. وقتی مأموران پلیس در محل حاضر شدند صاحب طلافروشی زن جوانی را به آنها تسلیم کرد. او گفت: لحظاتی قبل این زن همراه مردی حدوداً ۲۰ساله وارد مغازه‌ام شد. آن مرد گفت که قصد خرید یک دستبند یا گردنبند به قیمت ۴ یا ۵ میلیون تومان را دارد. من هم چند دستبند مقابل آنها گذاشتم. در حال وزن کردن یکی از دستبندها نبودم که آن مرد یکی از دستبندها را که ۴ و نیم میلیون تومان قیمت داشت، برداشت و مغازه را ترک کرد. برای یک لحظه او را پشت و پتیرین دیدم، اما ناگهان غیبش زد. من فکر می‌کردم که آن مرد، شوهر این زن است. وقتی درباره او سؤال کردم، گفت که اصلاً آن مرد را نمی‌شناسم. من حرفش را باور نکردم به خاطر همین به پلیس زنگ زدم و حالا از این زن شکایت دارم.

بعد از مطرح شدن شکایت، مأموران پلیس زن جوان را بازداشت کردند و پرونده برای رسیدگی به پایگاه هفتم پلیس اگاهی تهران فرستاده شد. زن جوان

دانشجوی دکترا برای تأمین هزینه تحصیل سرقت می‌کرد!

دانشجوی رشته دکتری معماری که برای تأمین هزینه تحصیل وارد بانده سرقت شده بود، یه همراه همدستانتش محاکمه شد. به گزارش خبرنگار ما، دوم مهر ماه ۹۲، زن جوانی به اداره پلیس رفت و ماجرای سرقت از خانه‌اش در حوالی میدان قاضی را گزارش داد. با طرح شکایت تحقیقات در جریان بود اینکه گزارش سرقت از خانه یک عروس و داماد چند سرقت مشابه دیگر در همان محل به پلیس گزارش شد. شواهد نشان می‌داد شیوه سرقت از منازل یکسان بوده و سارق یا سارقان با استفاده از دیلم، پنجره تراس منازل را شکسته و به خانه‌ها دستبرد زده‌اند. به این ترتیب تحقیقات در این زمینه آغاز شد و مأموران پلیس در گشت شبانه خود، به مرد جوانی که مقابل یک خانه شکست می‌داد، مشکوک شدند و او را دستگیر کردند. مرد جوان که دانشجوی دکتری معماری به نام آرمان بود در مراحل بازجویی به جرمش اقرار کرد و گفت: با همدستی برادرش حسن و یکی از دوستانش نصیر مرد تکب سرقت از منازل شده‌است. بعد از اقرارهای متهم، همدستان او نیز شناسایی و بازداشت شدند. به این ترتیب متهمان در حالیکه ارزش تقریبی سرقتشان ۵۰۰ میلیون تومان بود روانه زندان شدند و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان

هفت محکوم به قصاص که در حادثه‌های جداگانه‌ای مر تکب قتل شده بودند پای چوبه‌های دار از اولیای دم مهلت گرفتند و به زندگی امیدوار شدند. به گزارش خبرنگار ما، یازدهم روز چهارشنبه سوم آبان‌ماه هفت مردی که در حادثه‌های جداگانه‌ای در استان تهران مرتکب قتل شده بودند برای اجرای حکم در زندان جرایمی شکر هر پای چوبه دار رفتند. در حالی که طلب‌دار بر گردن متهمان اوخته شده بود، هیئت ملج و سازش به سرپرستی قاضی محمد شهریاری سرپرست دادسرای امور جنایی تهران پس از صحبت با اولیای دم موفق به گرفتن مهلت برای محکومان به قصاص شد. بدین ترتیب هفت اعلامی از پای چوبه دار به سلول‌هاشان بازگشتند و به زندگی امیدوار شدند.

قتل همسر در یک دعوی ساده

نخستین محکوم به قصاص مرد ۲۱ ساله‌ای به نام پرهوز است که در تاریخ بیست و سوم مردی سال ۹۲، همسر ۲۷ساله‌اش را در یک دعوی ساده به قتل رساند. متهم روز حادثه پس از قتل همسرش سه اداره پلیس رفت و اعلام کرد همسرش اعظم به طرز مرموزی ناپدید شده است. وی گفت: من و همسر ما خودروی برادریم برای

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

گرفتار شدن زنان در دام طلایی مرد فریبکار

اعتماد بی جا به افراد ناشناس مهم ترین راز موفقیت مجرمان است

خدا در خواستش را قبول کردم. او من و فروشنده طلا را فریب داد و با سرعت دستبندی گرانقیمت فرار کرد و من حالا گرفتار شده‌ام.

شناسایی متهم

در حالی که روز روز شکایات‌های تاز‌های به پلیس گزارش می‌شد مأموران پلیس با بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند که چهره متهم را شناسایی کنند. بعد از به دست آمدن تصویر متهم بود که زنان فریب خورده و صاحبان طلافروشی آن مرد را به عنوان سارق طلا شناسایی کردند.

بازگشت سارق به محل سرقت

در شاخه دیگری از تحقیقات، تصویر متهم در اختیار طلافروشی‌های بازار قرار گرفت تا در صورت مشاهده متهم پلیس را از ماجرا با خبر کنند. بررسی‌ها در این باره جریان داشت تا اینکه عصر روز شنبه، چهارم آبان‌ماه یکی از طلافروشان پاساز ۱۵ خرداد که متهم اولین سرقت خود را در آنجا رقم زده بود به مأموران پلیس خبر داد که سارق که همان شیوه قصد سرقت طلا دارد. بعد از این تماس بود که مأموران پلیس به سرعت خود را به محل رسانده و متهم را بازداشت کردند.

اعتراف به سرقت‌های طلایی

متهم در اولین بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی اعتراف کرد و تأیید کرد که زنان فریب خورده نقشی در اجرای سرقت‌ها نداشته‌اند. سرهنگ کارآگاه شمس‌الدین میرزگی، رئیس پایگاه هفتم پلیس اگاهی تهران بزرگ گفت: دستوراتش بدون پوشش تصویر متهم از سوی قاضی صادر شده و کسانی که به این شیوه در دام متهم گرفتار شده‌اند، می‌توانند برای طرح شکایت به پایگاه هفتم پلیس اگاهی تهران بزرگ در میدان پانزدهم خرداد – جنب کلانتری ۱۱۳ بازار مراجعه کنند.

شکایت‌های مشابه

تحقیقات درباره پرونده در جریان بود تا اینکه گزارش‌های مشابهی به مأموران پلیس اعلام شد. همه شاکیان به پلیس اعلام کرده بودند که مردی حدوداً ۴۰ساله همراه زنان جوان وارد طلافروشی شده و به همین شیوه اقدام به سرقت طلا کرده‌است. مشخصاتی که شاکیان از سارق طلا به پلیس داده بودند حکایت از این داشت که متهم زمانی سارق تحت تعقیب پلیس است.

ماجرا از زنان یک شاکی دیگر

یکی از شاکیان در توضیح ماجرا گفت: من برای خرید لوازم آرایش‌بخانه به خیابان ناصر خسرو رفته بود. در حال عبور بودم که مردی خودش را به من رساند و گفت که مادرش به تازگی از سفر زیارتی برگشته و می‌خواهد برایش دستبند طلا بخرد. او با التماس از من خواست برای خرید به او کمک کنم که برای رضای

وقتی مورد تحقیق قرار گرفت در توضیح ماجرا گفت: آن روز برای خرید به بازار رفته بودم که ناگهان مردی جوان مقابلم قرار گرفت. او گفت که قصد خرید طلا برای مادرش را دارد. گفت که مادرش پیر و ناتوان است. به من التماس کرد که همراهش به مغازه طلافروشی که همان جا بود، بروم و در خرید طلا به او کمک کنم. وقتی با التماس‌هایش مواجه شدم دلم به رحم آمد و با او همراه شدم. وقتی وارد شدیم درخواست دستبند داد و فروشنده هم چهار دستبند روی میز شخوآن گذاشت. آن مرد از فروشنده خواست که قیمت هر کدام از دستبندها را به او اعلام کند. فروشنده هم مشغول وزن کردن دستبندها شد که آن مرد در چشم برهم زدن یکی از دستبندها را برداشت و از مغازه بیرون رفت. زن جوان گفت: من آن مرد را نمی‌شناسم و خودم هم از او شکایت دارم.

دانشجوی دکترا برای تأمین هزینه تحصیل سرقت می‌کرد!

نداشتم و خانواده‌ام در یکی از روستاهای دورافتاده زندگی می‌کردند به همین خاطر برای تأمین هزینه‌های تحصیل مجبور به سرقت شدم. این پیشنهاد از سوی برادرم، حسن بود که با همدستی یکی از دوستانتش قبول کردم با آنها همراه شوم.» او در آخرین دفاعش گفت: «باور کنید وارد هیچ خانه‌ای نشدم و فقط بیرون منازل کشیک می‌دادم. شش ماه بعد از این سرقت‌ها به دوستانم قول دادم که در پایان هیئت قضایی طلب بخشش دارم.»

حدی تبرئه و آرمان را باس توجه به ندامت و پشیمانی و همکاری او با مأموران، وی را به کمترین مجازات یعنی سه‌سال حبس، حسن را به ۱۵سال حبس و نصیر را به پنج‌سال حبس، در ادامه همه متهمان را به ۲۴ ضربه شلاق و رد مل محکوم کرد.

بهمن‌ماه سال ۸۴ مرد مسخورده‌تنهایی را به‌بانه اینکه‌او را معتاد به قرص ترامادول کرده‌است، به قتل می‌رساند. متهم قبل از یکبار دیگر هم پای چوبه دار رفته بود.

قتل به خاطر چندین در چشم شدن

چهارمین قاتل که مرد جوانی به نام بهنام است سال ۹۱ کلانتری ۱۴ شهرقدس از درگیری خونینی در یکی از خیابان‌های شهر قندس با خیر و راهی محل شدند. بررسی‌ها نشان داد در این درگیری یک نفر به نام شهرام به قتل رسیده و نفر دیگری به نام ستار زخمی شده‌است. مأموران در تحقیقات دریافتند شهرام با اصابت چاقوی ستار به قتل رسیده‌است. ستار پس از دستگیری با اعتراف به قتل گفت:

داخل آرایشگاه مشاهده کردم که دیدم چند نفر پسر عموم سال ۸۱ پس از سرقت خودرویی هنگام تقسیم سهم، دو نفر از همدستانتاش را به قتل رساند. از آنجایی که اولیای دم، دو مقتول شناسایی نشدند متهم قرار شد تا یک‌ماه آینده ۱۰ روزه در محقون را بپردازد. ششمین محکوم به قصاص سال ۸۷، مردی را که احتمال می‌داد با همسرش از تباط دارد به قتل رساند و آخرین متهم سال ۸۶ به خاطر اختلاف خانوادگی برادر همسرش را به قتل رسانده بود.

۷قاتل پای چوبه‌دار مهلت گرفتند

گرفتن دارو به خیابان رفتیم. من به داروخانه رفتم و همسرم داخل خودرو منتظر ماند. دقایقی بعد وقتی برگشتم در خودروم قفل بود و خبری هم از همسرم نبود. پس از طرح شکایت تحقیقات مأموران آغاز شد تا اینکه یک روز بعد جسد نیمه‌سوخته اعظم را در بزرگراه آزادگان نبش شهرک صدرا داخل کانالی کشف کردند. مأموران در بررسی‌های میدانی به شوهر مقتول مظنون شدند و وی را بازداشت کردند. متهم در نخستین بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل همسرش اعتراف کرد. وی گفت: روز حادثه داخل خودرو با هم مشاجره کردم که ناگهان همسر داد و فریاد کرد و صورتش را چنگ انداخت.

از گلولی خودش را گرفت و من هم ابتدا تلاش کردم دستانتش را از گلولش جدا کنم، اما در ادامه عصبانی شدم و گلولش را فشار دادم که فوت کرد.

قتل به هواخواهی پسر عمو

دومین متهم که از پای چوبه دار به سلولش بازگشت مرد ۴۶ساله‌ای به نام ستار بود. متهم روز بیست و سوم تیرماه

آگهی ابلاغ وقت دادرسی

خواهان بانک مهر اقتصاد دادخواستی به خواسته مطالبه وجه چک و خسارت دادرسی، حق الوکاله وکیل به طرفیت ۱- حدیث سمیع‌جو ۲- امیرحسین احمدپور پوهری ۳- ماندنی ذوالفقار طبع به این دادگاه تقدیم نموده که به کلاسه ۹۶۰۱۹۴ شعبه سوم حقوقی پوهشر ثبت و برای مورخ ۹۶/۸/۲۹ ساعت ۱۰ صبح مفید به وقت رسیدگی است با توجه به این که خوانده دعوی مجهول‌المنان می باشد جهت درخواست خواهان و تجویز ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی آگهی مذکور را در یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار درج خوانده می تواند آدرس خود را به این دادگاه اعلام تا اوراق اختاریه و نسخه تالی دادخواست و حکم صادر جهت آنان ارسال شود در غیر اینصورت دادگاه غایب به موضوع رسیدگی و محکم متقاضی صادر نمود.
م.الف: ۱۵۵۵

مراذی- دفتر شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی پوهشر

آگهی احضار

احتراما نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۹۶۰۶۷۱ شعبه اول بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان گناوه آقای عبدالامام ابراهیمی معمره به اتهام ترک اتفاق و توهین وافتراح وتهمت تحت تعقیب می‌باشد. لذا مراتب به موجب ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری به نامبرده ابلاغ می‌گردد تا جهت رسیدگی و دفاع از خود در این مرجع حاضر گردد. در غیر اینصورت به صورت غیابی رسیدگی خواهد شد.
م.الف: ۷۵۱

بازپرس شعبه اول دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان گناوه

زخمی شدن دانش آموز دبیرستانی

با گلوله همکلاسی اش

دانش آموز دوره متوسطه دوم در شهرستان نیک‌شهر با شلیک گلوله همکلاسی خود مجروح و روانه بیمارستان شد. به گزارش خبرنگار ما، این حادثه صبح روز گذشته اتفاق افتاد که در جریان آن دانش آموز نوجوان در راه مدرسه شهید بهشتی هدف گلوله اصابت پنج گلوله قرار گرفت. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد که این دانش آموز ۱۶ ساله از ناحیه دست و با مجروح شده که به بیمارستان منتقل و وضعیت وی وخیم اعلام شده‌است. سرهنگ احمدطاهری، جانشین انتظامی استان در توضیح علت حادثه به خبرنگار ما گفت: عامل حادثه که جوانی ۱۷ساله است تحت تعقیب پلیس قرار دارد. در بررسی‌ها معلوم شد که به دلیل اختلاف خانوادگی در مدرسه با همکلاسی خودمشاجره لفظی پیدا کرده و صبح شنبه در راه مدرسه با همکاری دو همدست دیگر باسلحه کلاش به سمت همکلاسی خود تیر اندازی کرد و سپس از صحنه متواری می‌شود.

گم شدن یوسف

در رستوران چلچله



مرد جوانی که همراه مادرش برای دیدن بستگانش ازتهران راهی شمال کشور شده‌بوددر رستوران چلچله به طرز مرموزی ناپدید شد. به گزارش خبرنگار ما، چند روز قبل یکی از دانشجویان دادرسی امور جنایی تهران آمد و گفت: پسر جوانش به طرز مرموزی در راه مسافرت به شمال کشور ناپدید شده‌است. شاکلی در توضیح ماجرا گفت: من و پسر ۲۸ ساله‌ام به نام یوسف قلی‌زاده در یکی از محله‌های جنوب تهران زندگی می‌کنیم. روز سیزدهم مهرماه امسال همراه یوسف برای دید و بازدید یکی از بستگان راهی یکی از شهرهای شمالی کشور شدیم. ظهر همان روز اتوبوس در رستوران چلچله بعد از شهرستان قزوین برای ناهار توقف کرد. من و پسرمر برای خوردن ناهار داخل رستوران شدیم که یوسف به دستشوویی رفت و دیگر بازنگشت.

پس از این هرچقدر به دنبال او گشتم فایده‌ای نداشتم و یوسف من در آن رستوران ناپدید شد. الان به دادرسا امدهام و درخواست دارم کمک کنید پسرمر را پیدا کنم.

پس از طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادرسی امور جنایی تهران برای تحقیق در اختیار کارآگاهان پلیس اگاهی قرار گرفت. همچنین قاضی سهرابی پس از دستور انتشار عکس مرد گم شده در روزنامه از شهروندان درخواست کرد چنانچه از سر نوشت وی اطلاعی در دست دارند به پلیس خبر دهند.

پشتگاه حقوقی

شکایت از پیامک‌های

مواجم با ارسال پیامک

از این پس می‌توانید از پیامک‌های مزاحم شخصی، با ارسال یک پیامک به معاشرت، شکایت کنید. با توجه به راه اندازی این سیستم، شما می‌توانید برای شکایات از پیامک‌های مزاحم شخصی، متن پیامک را سامانه مزاحم‌ها را به شماره ۱۹۵ ارسال کنید، سامانه موضوع را بررسی می‌کند و در صورتی که تشخیص دهد پیامک مذکور، جنبه مزاحمت نداشته‌است، شماره تلفن فرد مزاحم را مسدود می‌کند. البته علاوه بر این، حق شکایت کیفری در دادسرا نیز برای احفظ محفوظ است.

■ بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای حکم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند. این تخفیف مجازات تکمیلی اختیاری است.

■ براساس ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی پرداخت و تأمین نطقه اولاد به عهده پدر است و در صورتی که پدر فوت کرده باشد یا قادر به پرداخت نطقه فرزندان نباشد، پرداخت نطقه به عهده پدربزرگ خواهد بود که مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه لاملاعارض آقای احمد علی گرمی، فرزند علی به کملی ۴۵۰۰۲۸۳۹۸۶ شدگان قسمتی از یک باب ساختمان، به مساحت ۴۹/۸۸ مترمربع، پلاک شماره ۵۵ فرعی از ۱۶۲۲ اصلی موقع در ایلام، مخ صفازی، کوچه شهید رنجبری، خریداری شده از شعبان لارکی و منتسب به مالکیت قادر شنوانی.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله‌ی روز ۱۵ آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار اولین آگهی، اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۷/۲۲ و نوبت دوم: ۹۶/۸/۷

صفری- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایلام